

DOI: [10.71854/soc.2025-1187864](https://doi.org/10.71854/soc.2025-1187864)

The role of the government's attractive or repulsive factors in social participation for environmental protection

Mahsa Saeedi Vafa [0009-0009-1834-3590](https://orcid.org/0009-0009-1834-3590) 

PhD Candidate in Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Bahram Ghadimi¹ [new 1404 3 2.docx](#) [0000-0002-3223-8932](https://orcid.org/0000-0002-3223-8932) 

Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mehrdad Navabakhsh [0000-0002-3028-7458](https://orcid.org/0000-0002-3028-7458) 

Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mansour Sharifi [0000-0002-4946-4963](https://orcid.org/0000-0002-4946-4963) 

Associate Professor, Department of Demography, Faculty of Humanities, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Abstract

The present study investigates the role of the government's attracting or repelling factors in social participation for environmental protection. As a social issue, the environment is one of the most important natural phenomena, and the crisis poses problems for human and even non-human life. The method of this research is qualitative and grounded theory. In this study, interviews were conducted with 24 environmental experts. The process of selecting targeted participants and determining their number was determined by reaching data saturation. The interviews were coded using MAXQDA 2020. "Functional collapse" was chosen as the central category. This category refers to the current situation of the role of the government in attracting or repelling social participation in environmental protection, in which the actions taken are carried out without careful, expert, and continuous planning, and these actions themselves have negative consequences for the environment and reduce social participation and social capital in the environmental field among citizens. The results of the research show that the role of the government in damaging the environment is greater than the role of citizens, and government intervention, whether through granting privileges to exploit and extract natural resources to private companies or rent owners or in the field of environmental management and monitoring, has caused dissatisfaction in society and the loss of social capital regarding environmental protection and preservation, and a sense of belonging to the country's national resources and wealth.

Keywords: environment, social participation, government support, environmental destruction

¹ Corresponding Author: dr.b.ghadimi@gmail.com

نقش عوامل جذب‌کننده و یا دفع‌کننده دولت در مشارکت اجتماعی برای حفظ محیط‌زیست

مهسا سعیدی وفا

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بهرام قدیمی¹

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهرداد نوابخش

استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

منصور شریفی

دانشیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۸/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۱۶

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش عوامل جذب‌کننده و یا دفع‌کننده دولت در مشارکت اجتماعی برای حفظ محیط‌زیست است. محیط‌زیست به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، از مهم‌ترین پدیده‌های طبیعی است که بحران در آن حیات انسان و حتی غیر انسان را با مشکل مواجه می‌کند. روش این پژوهش کیفی، با رویکرد گراندد تنوری است. در این مطالعه، مصاحبه‌هایی با 24 نفر از صاحب‌نظران محیط‌زیستی به عمل آمده‌است. نحوه انتخاب مشارکت‌کنندگان هدفمند و تعیین تعداد آن‌ها با رسیدن به اشباع داده‌ها تعیین شده‌است. مصاحبه‌ها با نرم‌افزار مکسکیودا ورژن 2020، کدگذاری شد. "اضمحلال کارکردی"، به‌عنوان مقوله محوری، انتخاب گردید. این مقوله، اشاره به شرایط کنونی نقش عوامل جذب‌کننده و یا دفع‌کننده دولت در مشارکت اجتماعی برای حفظ محیط‌زیست دارد که در آن، اقداماتی که صورت می‌گیرد، بدون برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی و مستمر بوده و این اقدامات نیز، خود دارای پیامدهای منفی برای محیط‌زیست و کاهش مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در زمینه زیست‌محیطی از جانب شهروندان است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، نقش دولت در آسیب زدن به محیط‌زیست بیش از نقش شهروندان بوده و دخالت دولت چه از طریق اعطای امتیاز بهره‌برداری و برداشت از منابع طبیعی به شرکت‌های خصوصی یا صاحبان رانت و چه در زمینه مدیریت و نظارت بر محیط‌زیست، موجب ناخرسندی جامعه و از بین رفتن سرمایه اجتماعی در خصوص نگهداری و حفظ محیط‌زیست و احساس تعلق به منابع و ثروت‌های ملی کشور شده‌است.

کلمات کلیدی: محیط‌زیست، مشارکت اجتماعی، حمایت دولتی، تخریب محیط‌زیست

¹ نویسنده مسئول: dr.b.ghadimi@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

پدیده محیط زیست به‌طور کلی مجموعه‌ای از شرایط بیرونی است که، در طول عمر یا زندگی یک موجود زنده مانند انسان بر او اثر می‌گذارد. آب‌و‌خاک و هوا سه جزء عمده محیط‌زیست انسانی تلقی می‌شوند و هرگونه آلودگی آن‌ها، آلودگی محیط‌زیست محسوب شده و باید مورد توجه قرار گیرد. رشد روزافزون جمعیت، افزایش تقاضا برای مواد غذایی و سایر نیازمندی‌های بشر، توسعه صنعت گردشگری و گسترش پدیده شهرنشینی و تشدید آلودگی محیط‌زیست (آب، خاک و هوا) سلامتی و حیات موجودات به‌ویژه انسان را با خطر جدی مواجه ساخته است (طاهری و طاهری، ۱۳۹۳: ۱۵۷). حفاظت از محیط‌زیست با مسائل زیادی مرتبط است که مهم‌ترین آن مسائل فرهنگی و اجتماعی است از آن‌جاکه حفظ محیط‌زیست یکی از موضوعات اساسی روز جهان به شمار می‌آید، بروز فاجعه در این حوزه نه‌تنها آرامش و امنیت را از زندگی انسان می‌رباید، بلکه سلامتی و هستی او را تهدید می‌کند. طبیعت و محیط‌زیست موهبتی الهی است که از مجموعه موجودات و منابع و عوامل و شرایط هماهنگی که پیرامون هر موجود زنده شکل می‌گیرد و ادامه حیات به آن وابسته است. محیط‌زیست نه‌تنها محل زندگی انسان بلکه تأمین‌کننده اساسی‌ترین نیازهای اوست و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. با این‌حال انسان در دوران سلطه‌اش بر این کره خاکی، با بهره‌برداری بی‌رویه و بدون برنامه‌ریزی از منابع طبیعی، ایجاد آلودگی‌های خطرناک در خاک، آب و هوا و نابودی توان زیستی آن، این موهبت ارزشمند را به شدت تهدید کرده‌است. در این راستا بسترسازی فرهنگی یکی از ارکان اصلی برای حفظ محیط‌زیست و توسعه مشارکت اجتماعی در این حوزه است. در قرن حاضر، مسئله محیط‌زیست به یک نگرانی جهانی تبدیل شده‌است و همه کشورها را بر آن داشته‌است، تا اقدامات لازم برای حفظ محیط‌زیست و پیشگیری از انواع آسیب‌ها را تدارک ببینند. اگر مروری بر وضعیت رفتارهای زیست‌محیطی افراد داشته باشیم، ملاحظه می‌کنیم که علت دگرگونی و تخریب محیط‌زیست، ناآگاهی و بی‌توجهی انسان به پیرامون خود (ناشی از کمبود آموزش‌های علمی و کارشناسانه) و نیز خودخواهی اوست. (دهزاد رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳).

از سویی دیگر، سرمایه فرهنگی به شیوه‌های فرهنگی خاصی که در روند آموزش‌های رسمی و خانوادگی (آموزش زیست‌محیطی) در افراد تثبیت شده است، اشاره دارد و نیز ظرفیت شناخت افراد در کاربرد لوازم فرهنگی مانند بازیافت زباله‌ها را در برمی‌گیرد. بنابر این نقش سرمایه فرهنگی در تحقق شهروندی بوم‌شناختی، دارای اهمیت شایانی می‌باشد (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۱: ۹۴).

پیشرفت تکنولوژی و افزایش تولید پلاستیک‌های مقرون‌به‌صرفه با انواع ویژگی‌های جذاب (مانند مقاومت، دوام، مقاوم در برابر خوردگی، خواص عایق حرارتی و الکتریکی بالا)، منجر به استفاده گسترده از آن‌ها در طیف وسیعی از کاربردهای صنعتی و خانگی شد. این مواد باعث بهبود قابل‌توجه کیفیت زندگی انسان شدند (به‌عنوان مثال: مواد ارزان‌تر و سبک‌تر، محصولاتی که باعث کاهش ضایعات و عفونت‌های باکتریایی ناشی از غذا می‌شوند). با این‌حال، این پلاستیک‌ها از طریق مسیرهای مختلف به محیط‌زیست می‌رسند و عمدتاً (حدود ۸۰٪) با منابع زمینی مانند، دفع ناکافی صنعتی، تلفات در حین تولید یا حمل‌ونقل، مدیریت ناکافی زباله، زباله و فعالیت‌های تفریحی در مناطق ساحلی مرتبط اند

و به محیط‌زیست صدمه می‌زنند (الویا و المدیة¹، ۲۰۱۹: ۱۹۶). میکرو و نانوپلاستیک‌ها ممکن است روی زیست‌های دریایی، از تولیدکنندگان اولیه (به‌عنوان مثال، ریزجلیک‌ها) تا شکارچیان برتر (مانند ماهی) در نقاط پایانی مختلفی مانند بقا، تولیدمثل، رفتار، توانایی بازسازی، ذخایر انرژی تأثیر بگذارند (سیلوا² و همکاران، ۲۰۲۰، ساروس³ و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین، راحل‌های مبتنی بر حفظ طبیعت، به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان ابزاری برای رسیدگی به چالش‌های پایداری در شهرها و مشارکت شهروندان در اداره راحل‌های مبتنی بر محافظت از طبیعت (کیس⁴ و همکاران، ۲۰۲۲)، ترویج شده‌اند (ای سی⁵، ۲۰۱۵؛ فرانتزسکای⁶، ۲۰۱۹، ای پی سی سی⁷، ۲۰۱۴؛ ای یو سی ان⁸، ۲۰۱۸؛ کابیچ⁹ و دیگران⁹، ۲۰۱۶، مک کین¹⁰ و همکاران، ۲۰۰۸ و زی و بولکلی¹¹، ۲۰۲۰).

فراوانی فزاینده تغییرات آب‌وهوایی و پیامدهای آن، مانند سیل، استرس گرمایی، و کمبود آب، محیط‌زیست را در کانون توجه محققان، گروه‌های شهروندی و تصمیم‌گیرندگان برای کاهش و سازگاری با تغییرات آب‌وهوا قرار می‌دهد (اندرسون¹²، ۲۰۰۶؛ حاک و دیگران¹³، ۲۰۱۳). یکی از راهکارهای ارائه شده، تغییرات زیست‌محیطی به‌عنوان مداخلات عمدی با استفاده از ویژگی‌های طبیعی اکوسیستم‌ها است که در سرتاسر جهان برای ارائه مزایای پایداری متنوع مورد استفاده قرار می‌گیرد (مس و ژاکوبز¹⁴، ۲۰۱۵، نسهاور¹⁵ و همکاران، ۲۰۱۷ و پل¹⁶ و همکاران، ۲۰۱۱). نگهداری و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست یکی از اولین اولویت‌های جهانی در دوران معاصر و کانون اهمیت و توجه سیاست‌گذاران جهان است. در ایران نیز تلاش‌هایی برای رسیدن به توسعه پایدار و دولت سبز انجام شده است. «ازجمله مهم‌ترین آن‌ها برنامه دولت سبز در سطح نظام اداری کشور بوده است» (کارگر شورکی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶). در کشورهای جهان سوم ازجمله ایران، برای دولت‌ها، مسائل زیست‌محیطی بیش از آنچه جنبه فنی داشته باشد، از محتوایی اجتماعی- فرهنگی برخوردار است. دولت برای نشان دادن اوج فاجعه بحران زیست‌محیطی، موظف است، تمام ابعاد مختلف اثرات بی‌توجهی چه در بین شهروندان و جوامع، چه در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را شفاف‌سازی کند و شهروندان را متقاعد کند که، اگر همیاری و همکاری‌های لازم به‌طور کلی وجود نداشته باشد دیر یا زود این گوی زیبا و زندگی‌زای منظومه شمسی

¹ Oliveira & Almeida

² Silva

³ Soares

⁴ Kiss

⁵ EC

⁶ Frantzeskaki

⁷ IPCC

⁸ IUCN

⁹ Kabisch et al

¹⁰ MacKinn

¹¹ Xie & Bulkeley

¹² Andersson

¹³ Huq et al

¹⁴ Maes & Jacobs

¹⁵ Nesshöver

¹⁶ Paul

در همه زمینه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و فرهنگی و غیره با سرنوشت فاجعه باری مواجه خواهد شد. اگرچه طرح چنین معضلی به معنای نادیده گرفتن توانایی‌ها و دستاوردهای مثبت جامعه بشری در رفع مشکلات زیست‌محیطی نیست، بلکه هدف آن آگاه‌سازی جوامع برای تقویت و ارتقای نقش آن‌ها در حفظ محیط‌زیست است. با این حال، چالش‌هایی که در این مسیر پدید می‌آید موجب می‌شود که حتی دولت‌ها و نگاه‌های بزرگ تجاری هم، هریک به شکلی، توجه به آثار و عوارض زیست‌محیطی را در تقابل با منافع خود ببینند. از سوی دیگر توجه مردم جهان، به‌ویژه متخصصان، هنگامی به مسائل زیست‌محیطی جلب می‌شود که پیشاپیش فاجعه روی داده باشد (دهزاد رستمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷-۲۹) به همین سبب، در سال‌های اخیر، سازمان‌های مردم‌نهاد افزایش زیادی داشته‌است (دفعان و همکاران، ۱۴۰۳).

از دلایل اهمیت و ضرورت تحقیق در حوزه محیط‌زیست آن است که، مشارکت اجتماعی که در راستای سازگاری انسان با محیط پیرامون شکل می‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای دارد. از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از جلوه‌های فرهنگی او با کنش‌های جمعی و گروهی ارتباط دارد، نقش عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده دولت می‌تواند به‌عنوان عاملی مداخله‌گر در میزان و کیفیت مشارکت و روح جمعی اثر گذار باشد. هدف کلی تحقیق حاضر، بررسی نقش عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده دولت در مشارکت اجتماعی برای حفظ محیط‌زیست و بررسی شرایط علی و مداخله‌گر و اقدامات و برنامه‌هایی است که تا کنون انجام شده و پیامدهای آن برنامه‌ها برای محیط‌زیست کشور است. سؤال اصلی پژوهش این است که: چه راهکارهایی برای تقویت نقش دولت در جذب مشارکت اجتماعی، به‌منظور حفظ محیط‌زیست پیشنهاد می‌شود؟

پیشینه پژوهش

کاظم یاسی (۱۴۰۱)، در مطالعه‌ای با تبیین نقش دولت در زمان درگیری‌ها و میزان تأثیر آن بر محیط‌زیست، از دست‌کاری‌ها و خرابکاری‌هایی که درگیری‌های داخلی ایجاد می‌شود و چگونگی مهار این درگیری‌ها توسط دولت و همچنین نقش دولت در درگیری‌های داخلی نسبت به محیط‌زیست پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد: تخریب و آسیب‌هایی که در جریان این درگیری‌ها به محیط‌زیست وارد می‌شود، امری غیرقابل‌انکار است، اما نقش دولت و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حفظ محیط‌زیست بسیار حائز اهمیت است؛ به‌ویژه از طریق پایبندی به معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی که بر کاهش تعارضات داخلی و عدم گسترش آن‌ها، مهار بحران‌ها توسط دولت و پرهیز از تبدیل آن‌ها به مناقشات بین‌المللی تأکید دارند. منجذب و همکاران (۱۴۰۰)، با بررسی تأثیر مداخله دولت بر رقابت بین زنجیره‌ها، با هدف بهبود محیط‌زیست و رفاه اجتماعی، به این نتایج رسیدند که، در صورت دخالت دولت به‌صورت فرهنگ‌سازی، آسیب‌های زیست‌محیطی کمتر می‌شود. نتیجه دیگر این است که، شرایط افزایش رفاه اجتماعی در حالت فرهنگ‌سازی مشخص می‌شود. همچنین برای زنجیره تأمین سبز این امکان فراهم است که در صورت برقراری روابط مشخص میان پارامترها، قیمت خود را افزایش دهد. در مدل اخذ مالیات نیز، اگر دولت هدف خود را به‌بیشینه‌سازی رفاه اجتماعی قرار دهد، در هر شرایطی میزان رفاه اجتماعی نسبت به حالت عدم مداخله دولت افزایش خواهد یافت.

قلیزاده و همکاران (۱۴۰۰)، در مطالعه‌ای با هدف مطالعه ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با تمایل به مشارکت در حفظ محیط‌زیست در بین شهروندان تهرانی، به این نتایج رسیدند که، مشارکت در فعالیت‌های زیست‌محیطی تابعی از اعتماد و عملکرد آگاهانه کاربران در فضای مجازی با محوریت زیست‌محیطی است. کاربرانی که به‌منظور کسب اطلاعات جدید از فضای مجازی استفاده می‌کنند، تمایل بیشتری به مشارکت در حفظ محیط‌زیست دارند و نسبت به محیط‌زیست خود بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند و در فعالیت‌های زیست‌محیطی همکاری بیشتری دارند. شاطری و همکاران (۱۴۰۰)، در مطالعه انگیزه‌های مشارکت در سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی، شرایط علی اثرگذار بر انگیزه‌های اعضا از مشارکت در سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی بر اساس دلیل‌های فردی (شخصی) مانند (تجارب حسی و طبیعت‌گرایی، رشته تحصیلی و نگرش استعلا‌یی)، علاقه‌مندی به فعالیت‌های محیط‌زیستی و کسب شأن و منزلت اجتماعی می‌باشد. همچنین شرایط مداخله‌گر مؤثر بر پدیده شامل: محدودیت‌های ساختاری (شکسته بودن محیط‌زیست، وجود نداشتن بستر لازم برای فعالیت‌های مدنی و مانند آن، ارزش ذاتی محیط‌زیست و همجواری محل سکونت فرد با طبیعت و مجاورت شغلی)، ارزیابی نمودند.

فتاحی و همکاران (۱۳۹۹)، با بررسی تأثیر عوامل مشارکت اجتماعی شهروندان و گردشگران به‌منظور حفاظت از محیط‌زیست در شهرهای ساحلی (مطالعه موردی شهر محمودآباد)، نشان دادند: بین آگاهی و نگرش، اعتقادات دینی و معاشرت در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست، رابطه وجود دارد. غمامی و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهشی درصدد پاسخ به این سؤال هستند که «دولت برای ارتقاء و گسترش مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی چه تعهدات حمایتی بر عهده دارد؟». نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، در نظام حقوقی ایران برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، نقش قضایی (حق اعلام جرم) و مشارکت در تهیه و تدوین و اجرای برنامه‌های حفاظت از محیط‌زیست پیش‌بینی شده است. با این وجود، کاستی‌ها و استثنائات و همچنین امکان حذف و تغییر فهرست سمن‌های فعال در حوزه محیط‌زیست توسط مقامات دولتی می‌تواند موجب خدشه در تعهدات دولت و مهم‌تر نیل به هدف محیط‌زیست سالم و سبز شود.

جانه^۱ (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای با عنوان، تأثیر کیت آموزش محیطی بر سواد زیست‌محیطی دانش‌آموزان، نشان می‌دهد که، مالزی، برای حمایت از اجرای آموزش زیست‌محیطی در سراسر برنامه درسی، کیت آموزش محیطی را برای افزایش سطح سواد زیست‌محیطی دانش‌آموزان ایجاد کرده‌است. سواد زیست‌محیطی به دانش، آگاهی، رفتار، نگرش و مشارکت محیطی اشاره دارد. نتایج این پژوهش نشان داد، سطح سواد زیست‌محیطی بر اساس جنسیت و جریان طبقاتی همچنان در سطح متوسط و پایین است. همچنین مشخص شد که دانش و آگاهی از محیط در مقایسه با نگرش، رفتار، آگاهی و مشارکت محیطی در سطح پایینی قرار دارد. پیامدهای این مطالعه نشان می‌دهد که دانش، نگرش و ایجاد رفتار مثبت نسبت به محیط باید به‌صورت یکپارچه توسعه یابد (سیاه و همکاران، ۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با عنوان، روش‌های مشارکت در بازار انرژی تجدیدپذیر برای سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر، معتقدند که مصرف انسان و نحوه مدیریت مواد

¹ Jannah

² Cai

پلاستیکی مورد استفاده روزانه می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل این موضوع زیست‌محیطی داشته باشد.

مارادین^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان، مزایا و معایب استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، می‌نویسد؛ امروزه آلودگی پلاستیک به یک موضوع نگران‌کننده جهانی تلقی می‌شود. این مشکل زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های صنعتی و خانگی انسان، مرتبط با مدیریت ضعیف، از فرآورده‌های تولید تا پایان عمر محصولات است. درک تصورات عمومی در مورد آلودگی پلاستیکی ممکن است منبع ارزشمندی برای مشارکت دادن جامعه در راه‌حلهایی برای کاهش انتشار آن در محیط‌زیست باشد. در این مطالعه، ادراک در مورد آلودگی پلاستیک، اثرات آن و همچنین عوامل اجتماعی جمعیت شناختی و روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده رفتارهای طرفدار محیط‌زیست افراد، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به‌طور کلی، نتایج این پژوهش نشان داد که یک دانش کلی وجود دارد که پلاستیک‌ها در محیط تخریب می‌شوند. آگاهی در مورد اثرات آلودگی پلاستیک (اجتماعی-اقتصادی، اثرات بهداشتی و اثرات زیست‌محیطی) به‌شدت با رفتار طرفدار محیط‌زیست مرتبط بود. این داده‌های مطالعه می‌تواند به درک چگونگی تقویت رفتارهای طرفدار محیط‌زیست و کمک به کاهش حضور میکرو (نانو) پلاستیک در محیط کمک کند (عرفان^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). ماگانی^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، در بررسی حفاظت محیط‌زیست چین، به این نتایج دست یافتند که، سیاست‌های کلی مربوط به امور مالی سبز چین منجر به کاهش قابل‌توجهی در انتشار گازهای صنعتی در دوره بررسی شده است. علاوه بر این، توسعه برنامه حفظ محیط‌زیستی، به کاهش انتشار دی‌اکسید گوگرد کمک می‌کند و تأثیر مثبتی بر طرح‌های سرمایه‌گذاری حفاظت از محیط‌زیست دارد. چین در حال تبدیل شدن به یک رهبر جهانی در اجرای سیاست‌های مالی سبز است و تنظیم‌کننده‌ها باید فرمول‌بندی محصولات مالی سبز را تسریع کنند و ظرفیت مؤسسات مالی برای ارائه اعتبار سبز را افزایش دهند. جمع‌بندی پیشنهادی تجربه نشان می‌دهد مسئله محیط‌زیست چه در داخل ایران و چه در سطح جهانی، دارای اهمیت ویژه‌ای است، نقطه قوت این پژوهش که آن را از مطالعات پیشین، متمایز می‌کند، نقش عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده و همچنین نقش حمایت‌ها دولت برای مقابله با تخریب محیط‌زیست و مشارکت آن در حفظ و نگهداری از آن است.

روش

روش این پژوهش، روش گراندد تئوری می‌باشد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش، با روش انتخاب هدفمند شامل ۲۴ نفر از اساتید دانشگاه، محققین و پژوهشگرانی هستند که در زمینه محیط‌زیست، دارای دانش، پژوهش و آگاهی می‌باشند و داده‌ها به روش کیفی از محققین جمع‌آوری و تحلیل شد. تعداد مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به مرحله اشباع داده‌های نظری و تا حدودی، مفهومی، تعیین نمود. تحلیل و کدگذاری متن مصاحبه‌ها با نرم‌افزار مکسکیودا ورژن ۲۰۲۰ انجام شده است.

جدول ۱ مشخصات پاسخ‌گویان

¹ Maradin

² Irfan

³ Muganyi

نقش عوامل جذب‌کننده و یا دفع‌کننده دولت در مشارکت اجتماعی برای حفظ محیط‌زیست

شماره	تحصیلات	شغل
1	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر محیط‌زیست
2	دانشجوی دکتری	پژوهشگر محیط‌زیست
3	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر محیط‌زیست
4	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر محیط‌زیست
5	دکتری جامعه‌شناسی	پژوهشگر محیط‌زیست
6	کارشناس ارشد مهندسی منابع آب	کارمند منابع طبیعی
7	دانشجوی دکتری	پژوهشگر محیط‌زیست
8	دکتری جمعیت‌شناسی	استاد دانشگاه
9	کارشناس ارشد مهندسی	کارمند منابع طبیعی
10	دکتری	پژوهشگر محیط‌زیست
11	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
12	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
13	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
14	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
15	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
16	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
17	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
18	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
19	کارشناسی	کارمند اداره محیط‌زیست
20	دکتری	استاد دانشگاه
21	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
22	کارشناس ارشد	پژوهشگر محیط‌زیست
23	دکتری	پژوهشگر محیط‌زیست

شماره	تحصیلات	شغل
24	دکتری	پژوهشگر محیط‌زیست

محقق در این پژوهش، با رعایت اصول اخلاقی پژوهش، طی هماهنگی و کسب اجازه قبلی از مشارکت‌کنندگان با آن‌ها برنامه دیدار حضوری و انجام مصاحبه و نیز مجوز ضبط مصاحبه را دریافت نمود. برای ایجاد حساسیت نظری، محقق، به‌مرور ادبیات نظری و تجربی (برخی نظریه‌های مربوطه، مقالات و کتاب‌هایی مرتبط با موضوع)، پرداخته است. همچنین در این پژوهش، برای کسب اعتماد نسبت به یافته‌های پژوهش، از روش‌هایی چون، ارزیابی توسط مشارکت‌کنندگان، کنترل و بازبینی یافته‌های مفهومی و نظری توسط استادان و سایر محققان و مقایسه‌های تحلیلی استفاده شده‌است.

1- اعتباربخشی توسط مشارکت‌کنندگان: در این پژوهش با صحت سنجی مقوله‌های استخراج‌شده با نظر پاسخ‌گویان (16 نفر) از آن‌ها خواسته شد تا یافته‌های کلی به‌دست آمده را ارزیابی کنند و در مورد آن نظر دهند. مشارکت‌کنندگان، درستی مفاهیم استخراجی را تأیید نمودند.

2- مقایسه‌های تحلیلی: یافته‌های میدانی پژوهش، با مرور و برگشت مجدد به نظریه‌ها و داده‌های خام و سیر از قیاس به استقراء، صحت یافته‌های انتزاعی بازبینی شد.

3- استفاده از فن ممیزی: در مراحل کدگذاری از نظرات استادان و نیز کارشناسان آشنا با روش استفاده شده‌است.

در اجرای مراحل سه‌گانه کدگذاری، ابتدا با توجه به مشابهت ویژگی و ابعاد ویژگی در کدگذاری دور نخست (کدگذاری باز)، در قالب یکی از مکاتب رایج در تئوری داده بنیاد (مکتب گلیزر)، ابتدا کدگذاری دور نخست با تمام گام‌های آن انجام و ماتریس‌ها و جداول مناسب رسم شد. سپس در کدگذاری دور دوم کدهای متمرکز و یا مقولات محوری ایجاد شده و عملاً محقق به مفاهیمی (بلوک‌هایی) انتزاعی دست یافت. در رویکرد استقرایی سیر از اطلاعات جزئی به مفاهیمی کلی صورت می‌گیرد تا بتوان در قالب روش‌های نو و جدید و نقد علمی روش‌های قبلی، اقدام به ایجاد نظریه در قالب ساخت فرضیه نمود (کرسول و کرسول¹، ۲۰۱۸). جریان کدگذاری باز در این تحقیق بدین‌صورت بود که هر مصاحبه، به‌محض رسیدن به منزل، نگارش و سپس تمام نکات مهم آن وارد جدول کدگذاری باز می‌شد. در مرحله دوم تمام داده‌هایی که به یک مفهوم مشترک اشاره داشتند را پشت سر هم مرتب و خرده مقوله‌ای که مشتمل بر همه مفاهیم مشترک باشد انتخاب می‌شد. در مرحله بعد، خرده مقولات به‌دست‌آمده را در طبقه‌ای انتزاعی‌تر که شمول بیشتری نسبت به مرحله

¹ Creswell & Creswell

قبلی داشت، به نام مقولات قرار می‌گرفت. این مراحل در طول انجام گردآوری داده‌ها، به‌صورت رفت‌وبرگشت به میدان و فرآیندی بوده است.

برای تشریح بیشتر روند کار کدگذاری از داده‌های خام به مفاهیم، یک نمونه از مصاحبه‌های کدگذاری شده اشاره می‌کنیم.

جدول ۳ نمونه کدگذاری باز

مفاهیم	داده‌های خام
فرهنگ‌سازی	باید ابتدا سطحی از رفاه و معاش را برای جامعه فراهم کرد، سپس با تلاش و فرهنگ‌سازی و ایجاد اشتراکات جغرافیایی و جریمه برای خاطیان احتمالی، برای حفظ محیط‌زیست تلاش کرد. (مصاحبه پنجم، Pos. 11)
آموزش	تبلیغات محیطی، رسانه‌های ملی مانند صداوسیما و رسانه‌های فضای مجازی در بالا بردن سطح سواد و آگاهی شهروندان بسیار تأثیرگذار هستند. آموزش در مقاطع پایین‌تر مانند مهدکودک‌ها و مدارس بسیار کارساز و مؤثر می‌باشد. (مصاحبه بیستم و دوم، Pos. 13)
پیچیدگی مسئله	مشارکت در حوزه محیط‌زیست کار آسانی نیست. حزب سیاسی که دغدغه‌های محیط‌زیستی داشته باشند مثل احزاب سبز این‌ها هم نیست که فکر می‌کنم معضل بزرگی باشد. (مصاحبه بیستم، Pos. 9)
وضعیت نابسانان	منابع محیط‌زیست ما حال خوبی دارند و در حوزه تالاب‌ها، دریاچه‌ها، آب‌های زیرزمینی بحث ریزگردها، بحث سیل‌هایی که اتفاق می‌افتد، خیلی از اون‌ها به خاطر مراتع هست، جنگل‌ها هست بنابراین اون اطلاعات عمومی که همه ما داریم و به شکل دقیق و عدد و رقم که وجود داره، همه این‌ها در کلیتش نشون میده که وضعیت، وضعیت خوبی نیست، (مصاحبه دهم، Pos. 19)

در جدول 3، روند کلی کدگذاری باز و سیر از مفاهیم به خرده مقولات، با توجه به داده‌های پژوهش، آمده‌است.

جدول ۵ سیر از مفاهیم به مقولات

مقولات	مفاهیم (تعداد تکرار)
سوء مدیریت	بی‌برنامگی مسئولان (5 بار تکرار)
	فاجعه عمیق (11 بار تکرار)
	فانتزی و سطحی (9 بار تکرار)
	نداشتن متولی (4 بار تکرار)
راهکارهای کلان‌محور	آگاهی اجتماعی (9 بار تکرار)
	اصلاح قوانین (10 بار تکرار)
	اقدامات تشویقی (9 بار تکرار)
	افزایش سرمایه اجتماعی (11 بار تکرار)

یافته‌های پژوهش

بعد از کدگذاری مصاحبه‌ها، انتخاب مفاهیم و سیر از استقرا به قیاس و رسیدن به خرده مقولات و مقوله‌های اصلی، در نهایت مقوله محوری "اضمحلال کارکردی"، انتخاب شد. مقوله محوری اضمحلال کارکردی، اشاره به شرایط کنونی نقش عوامل جذب‌کننده و دفع‌کننده دولت برای ایجاد مشارکت اجتماعی در حفظ محیط‌زیست دارد، که در این شرایط، اقداماتی که صورت می‌گیرد، بدون برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی و مستمر بوده و این اقدامات نیز، خود دارای پیامدهای منفی برای محیط‌زیست و کاهش مشارکت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در زمینه زیست‌محیطی از جانب شهروندان است.

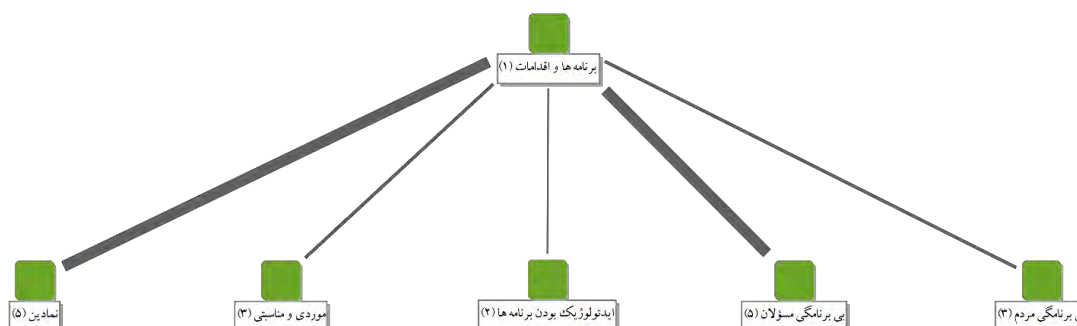
برنامه‌ها و اقدامات

نظر مشارکت‌کنندگان در خصوص برنامه‌ها و اقدامات دولت، به‌منظور افزایش مشارکت اجتماعی برای حفظ و صیانت از محیط‌زیست، حاکی از نارضایتی بود. به‌زعم آن‌ها، دولت بیشتر نقش دافعه در جلب مشارکت اجتماعی در حوزه محیط‌زیست را دارد تا جاذبه.

کد 24: در بخش منابع زیست‌محیطی بسیار ضعیف می‌باشد، چه‌بسا حجم بسیار زیادی از جنگل‌های هیرکانی و شمالی کشور و همچنین زاگرس تخریب‌شده و منابع آب زیرزمینی به خاطر طرح‌های غیراصولی کشاورزی از بین رفته‌است و رودخانه‌ها و مراتع، هر سال بیشتر دچار تخریب و فرسایش می‌شود.

کد 5: برنامه‌ها را بیشتر نمادین و بر روی کاغذ و به‌صورت موردی و مناسبتی می‌بینم تا تدوین‌یافته و پیگیری شده. همچنین به دلیل آلودگی هوا در زمستان، فشار بر روی اتومبیل‌هایی که معاینه فنی ندارند بیشتر می‌شود، ضمن آنکه کارخانه‌ها به‌صورت محدود تعطیل می‌شوند تا تغییر شرایط جوی، و بعد از آن مانورها تمام‌شده و شرایط مانند قبل دنبال می‌شود.

کد 1: بسیار ضعیف. وضعیت محیط‌زیست ایران خود گواهی بر این مدعاست که صیانت و حفظ محیط‌زیست در ایران، نه دغدغه مسئولان است و نه مردم.



شکل ۱ برنامه‌ها و اقدامات

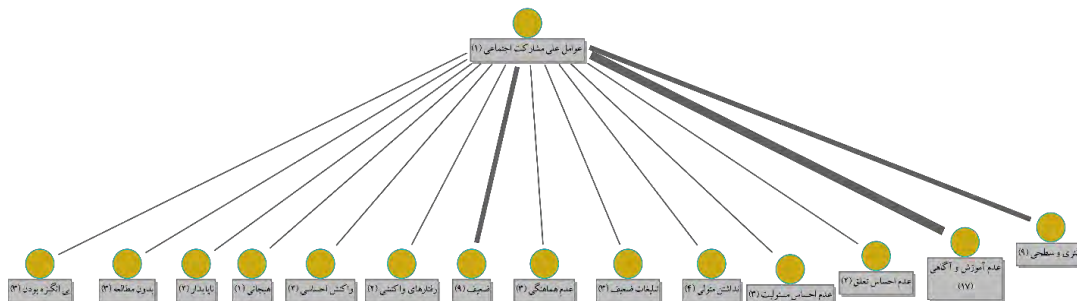
شرایط علی

علل و شرایط مؤثری که در ایجاد پدیده اضمحلال کارکردی دولت، ایفای نقش می‌کند، بر اساس یافته‌های پژوهش شامل، فانتزی و سطحی بودن عملکرد دولت، عدم آموزش و آگاهی شهروندان و حتی مدیران ذی‌ربط، عدم احساس تعلق در مدیران و شهروندان، رفتارهای واکنشی به‌جای رفتارهای کنشی برآمده از تفکر و تخصص، ناپایداری برنامه‌ها، عملکرد ضعیف در اجرا و نظارت، واکنش‌های احساسی و هیجانی و بدون مطالعه است.

کد 3: در خصوص مردم و شهروندان، عواملی مثل میزان آشنایی آن‌ها با محیط‌زیست و نحوه حفاظت از آن تا آشنایی و آگاهی نسبت به پیامدهای به خطر افتادن محیط‌زیست می‌تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان داشته باشد. از سوی دیگر، نگرشی که افراد دارند می‌تواند در خصوص افزایش مشارکت اجتماعی یا بی‌تفاوتی آن‌ها نسبت به حفظ محیط‌زیست، تعیین‌کننده باشد. افرادی که نگرشی کل‌نگر دارند و خود را عضوی بسیار ریز در ارتباط با طبیعت و جامعه تلقی می‌کنند، پایبندی بیشتری نسبت به حفظ محیط‌زیست از خود نشان می‌دهند.

کد 22: عدم آموزش در ادوار گذشته برای افراد جامعه؛ دخالت دولت‌ها در ایجاد صنایع آلوده‌کننده؛ تصمیمات غلط در حفظ منابع و عدم سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها و عدم حساسیت مردم در حفظ این منابع.

کد 6: افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان برای حفظ محیط‌زیست منوط می‌شود به تقویت سرمایه اجتماعی یعنی اعتمادسازی، حساب‌سازی، آگاهی بخشی عمومی، برقراری نظام حکمروایی خوب (Good Governance)، شفافیت، برقراری عدالت اجتماعی، برخورد شدید با افراد سودجو و رانت جو و فاسد و فرصت‌طلب.



شکل ۲ عوامل علی

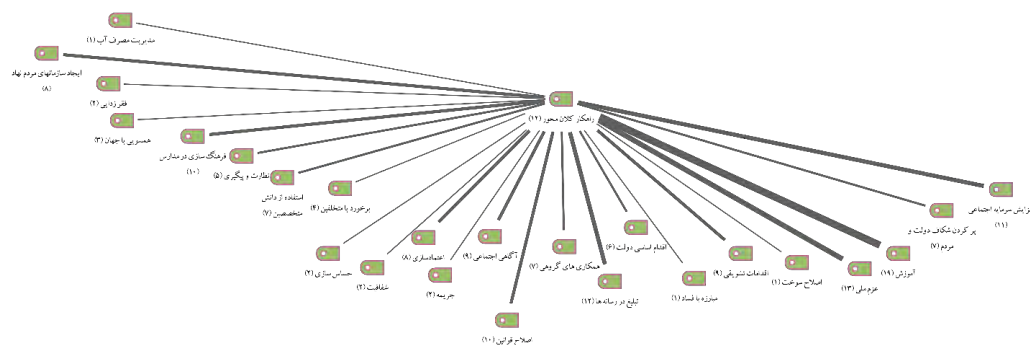
راهبردها

از نظر مشارکت‌کنندگان راهبردها و استراتژی‌های مختلفی برای افزایش اثرات مثبت و مفید دولت چه در حفاظت از محیط‌زیست در سطح کلان و دولتی و چه در سطح جذب مشارکت اجتماعی شهروندان وجود دارد که برخی از آن‌ها شامل راهکارهای آموزش‌محور و برخی شامل راهکارهای حمایتی و برنامه‌هایی برای افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود.

کد 16: محیط‌زیست ایران قابلیت درست شدن دارد و اصلاً چیز پیچیده‌ای نیست، ولی متأسفانه به‌صورت هدفمند به لحاظ سیاسی به سمت تخریب در حال حرکت است. این موضوع را کسی می‌گوید که خودش در این حوزه‌ها فعالیت داشته‌است و دارد، بنابراین ما زیاد نمی‌توانیم در این حوزه‌ها نقشی مؤثر داشته باشیم، شاید در حد میکرو در شرکت‌ها دارد روی این موضوع کار می‌شود. درواقع نباید کتمان کنیم، چیزی که من هم در این باره گفته‌ام، اگرچه در حد پیشگیری از آلودگی هست، ولی در حد بهبود نیست، شما ممکنه یک زمانی بگوئید من دارم پیشگیری می‌کنم که آلوده نشه یا کمتر آلوده بشه این یک جنبه است، یک جنبه آن هم این است که شما می‌گویید من دارم درستش می‌کنم یعنی شرایط را بهبود می‌دهم که این دوتا باهم فرق می‌کنند، یعنی از منفی به صفر آمدن با از صفر به سمت مثبت رفتن فرق می‌کند، امروزه اقدامی از صفر به مثبت رفتن انجام نمیشه و فقط داره از بار منفی کم میشه و فقط همین و بس.

کد 2: تا زمانی که این رابطه عدم وفاق دولت یا حاکمیت با ملت ادامه دارد، هیچ راهکاری کارآمد نخواهد بود و نیاز به یک عزم ملی است و بیش از همه نقش دولت در صورت مسئولانه بودن و جلوگیری از سوخت مازوت، اجرای طرح مصرف مناسب آب شرب و هزینه کرد راه‌های پیشگیری از هدر رفت آب تصفیه‌شده و اجرای طرح‌های اجرایی و کارآمد نه برای نمونه کاشت هزاران اصله درخت بدون پیش‌بینی آبیاری آنان، دعوت از دلسوزان و کارشناسان و توجه به طرح‌های پیشگیرانه، اجرایی و بعضاً مشوق‌های برای ایجاد فضای سبز، استفاده صحیح از منابع، تمامی این‌ها در صورتی قابل تحقق و اجراست که دولت خود عامل نباشد و مانع رانت‌ها، بهره‌برداری‌های غیرمجاز از منابع باشد و خود دور زننده قوانین نباشد، دلسوزانه برای آبادانی کشور گام بردارد.

کد 12: حضور همه‌جانبه نهادها و ارگان‌های مسئول و ارائه برنامه و طرح‌های جامع و نهادینه کردن این طرح‌ها و آگاه نمودن مردم و فراخوان مردم برای مشارکت در این طرح‌ها و حضور فعال و مشارکت مردم و صداوسیما.



شکل ۳ راهکارها

پیامدها

مشارکت‌کنندگان، پیامدها و تبعات خوش‌بینانه‌ای برای وضعیت کنونی محیط‌زیستی ایران و نقش و مدیریت ناکارآمد دولت، تصور نکردند و آینده محیط‌زیستی را دچار چالش و مشکلات فراوانی ارزیابی می‌کنند.

مصاحبه 4: مطالعات مختلف نشان داده است که جنگل‌ها ریه‌های زمین هستند. امروزه با تخریب جنگل‌ها و عدم جایگزینی آن‌ها با کاشت نهال و درخت، باعث شده‌است که مثلاً جنگل‌های هیرکانی در شمال که از زیباترین جلوه‌های طبیعت ایران است از بین بروند. زمین‌خواری و کوه‌خواری، تجاوز به حریم دریاها با ساخت‌وساز غیرقانونی، خالی شدن روستاها و در نتیجه از بین رفتن کشاورزی، گسترش شهرها و انواع مشکلات زیستن در شهرها مانند آلودگی هوا، ترافیک، بزه‌کاری و جرائم شهری و رشد حاشیه‌نشینی، وضعیتی را رقم زده‌است که می‌تواند در آینده باعث فروپاشی شرایط اجتماعی جوامع گردد. تخریب طبیعت مانند جنگل‌ها و سفره‌های زیرزمینی، باعث ایجاد سیلاب‌های مخرب، فرونشست زمین، ایجاد چاله‌های و گسل‌های خطرناک، باران‌های اسیدی یا خشک‌سالی‌های طولانی گردد.

مصاحبه 15: قطع یقین پیامدها متناسب با عملکرد ما همه عوامل دخیل در بحران‌زایی خواهد بود. پاسخ طبیعت محتمل درازدامن باشد که متأسفانه آن هم نیست ولی قطع یقین خشن خواهد بود که سیلاب‌های این چند سال، تغییرات اقلیمی، کاهش سفره‌های زیرزمینی و روزمینی از جمله دریاچه ارومیه و نیز کاهش تنوع زیستی و افزایش بیماری‌های صعب‌العلاج، بخشی از آن است.

[illegible]

شکل ۴ پیامدها

نتیجه‌گیری

محیط‌زیست در هر کشوری یکی از مهمترین سرمایه‌های آن کشور به شمار می‌رود که می‌تواند نقش بسیار مهمی در میزان توسعه آن کشور داشته باشد. بهربردارای‌های بیش‌ازحد از منابع طبیعی یا تخریب جنگل‌ها و استفاده بی‌رویه از منابع زیرزمینی و روزمینی، می‌تواند صدمات غیرقابل‌جبرانی به محیط‌زیست یک کشور وارد نماید. مشارکت‌کنندگان در پژوهش، لزوم فرهنگ‌سازی در حیطه محیط‌زیست و نحوه حفظ و پاسداشت آن، اصلاحات بنیادین در قوانین و ساختارهای محیط‌زیستی، نهادینه‌سازی مسئله و توجه به حل آن، استفاده و جایگزینی از انرژی‌های تجدیدشونده به‌جای سوخت‌های فسیلی و حمایت و تلاش دولت برای جذب و جلب حمایت‌های مردمی و محلی را بهترین راهکارهای لازم برای برون‌رفت از شرایط فعلی قلمداد می‌کنند.

در خصوص نقش دولت در حفظ محیط زیست باید یادآور شد که ایجاد فضای آموزشی مناسب برای ترویج اخلاق زیست محیطی و تربیت انسان های اخلاق مدار، از مهمترین وظایف دولت به شمار می آید. دولت از طریق فراهم سازی چنین بسترهایی در واقع به نهادهای سازی فرهنگ مشارکت، تعامل و مسئولیت پذیری اجتماعی در میان افراد جامعه کمک می کند.

علاوه بر این، دولت با آموزش فرهنگ مشارکت در حفاظت از محیط زیست می‌کوشد ضمن پررنگ ساختن نقش توسعه صنعتی و فناوریانه جوامع، به آثار مخرب ناشی از مدیریت نادرست و الگوهای غلط مصرف و بهره‌برداری از زمین اشاره کند؛ مسائلی که موجب آسیب‌پذیری چرخه حیات، ارگانسیم‌های گیاهی و جانوری و چشم‌اندازهای طبیعی می‌شوند. در چنین شرایطی، دولت با تأکید بر نقش کلیدی توجه به بوم‌شناسی، در پی بررسی چالش‌های زیست‌محیطی با بهره‌گیری از دانش و علوم گوناگون برمی‌آید.

اقدامات اندکی هم که در این خصوص برای بهبود شرایط زیست محیطی صورت می‌گیرد، نمادین و سطحی است و نمی‌تواند کار چندانی در مقابله با حجم بالای آسیب‌هایی که به منابع طبیعی وارد می‌شود، از پیش ببرد. به عنوان مثال تخریب جنگل‌ها را نمی‌توان با چند برنامه درختکاری در زمین‌های مختلفی که امکان رشد درخت در آن بررسی نشده،

جبران نمود یا استفاده سنتی و غیراصولی آب در کشاورزی با هشدارهای تلویزیونی به مردم برای مدیریت مصرف آب و صرفه‌جویی در آن، قابل غیرقابل‌جبران است. نقش دولت‌ها در حوزه محیط‌زیست از آن جهت اهمیت دارد که امروزه بحران‌ها و چالش‌های محیط‌زیست بسیاری از کشورها، از جمله ایران، را تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین، برای رفع این مشکلات و بحران‌ها دولت‌ها باید بر این نکته تأکید کنند که جوامع نیازمند دستیابی به اجماع افکار عمومی و توجه ویژه به آن هستند. تنها دولت‌ها از طریق این همبستگی جمعی است که می‌توانند از گسترش معضلات و بحران‌های زیست‌محیطی جلوگیری کرده و محیط‌زیستی پویا، سرسبز و همراه با نشاط را برای انسان‌ها فراهم سازند. به همین دلیل دولت‌ها به منظور حفاظت از محیط‌زیست باید توجه و تلاش خود را بر آموزش‌های اخلاق زیست‌محیطی و تربیت انسان‌های اخلاق مدار برای تعامل با محیط‌زیست بگذارند و هدف دولت از این اقدام باید شناساندن اهمیت محیط‌زیست و آشنایی شهروندان با راه‌ها و روش‌های مختلف مشارکت اجتماعی به منظور ایجاد بستر مناسب برای حفظ محیط‌زیست باشد. جا انداختن این فرهنگ توسط دولت‌ها، از آن جهت اهمیت دارد که، یکی از مهم‌ترین مسائل در زندگی بشر داشتن محیط‌زیست سالم و به‌دور از هرگونه آلودگی است، و حفظ و نگهداری آن همواره بر تکتک انسان‌ها واجب است.

چشم‌انداز دولت برای افزایش تلاش برای حفاظت از محیط‌زیست در نهایت به حمایت عمومی متکی است، زیرا تزلزل حمایت‌ها ممکن است محدودیت‌های اساسی بر بلندپروازی سیاست‌های زیست‌محیطی دولت‌ها تحمیل کند. برای تسهیل شرایطی، که در آن بتوان سیاست‌های زیست‌محیطی مؤثر، هرچند بالقوه پرهزینه، را با موفقیت اجرا کرد، داشتن درکی درست از فرایندهای حمایت شهروندان از این سیاست‌ها است. همراهی و مشارکت آحاد افراد جامعه، در حفظ و نگهداشت محیط‌زیست و پاسداشت منابع طبیعی، به دلیل عدم آگاهی یا بی‌اعتمادی به نهادهای حاکم بر کشور، ناچیز است و از سوی دیگر، رفتارهای ضد محیط‌زیستی، باعث ایجاد فرهنگ غالب تخریب و سوءاستفاده از منابع طبیعی در بین مردم شده است.

نتایج پژوهش منجذب و همکاران (۱۴۰۰)، که نشان داد دخالت دولت از طریق فرهنگ‌سازی، می‌تواند به کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی بینجامد، تا حد زیادی با یافته‌های پژوهش حاضر، مبنی بر استفاده از نقش مثبت و حمایت‌گرایانه نهادهای دولتی در خصوص افزایش مشارکت اجتماعی در حوزه محیط‌زیست، مطابقت دارد.

در مقایسه نظریه وفاق اجتماعی دورکیم با نتایج این پژوهش، باید متذکر شد که وفاق و مشارکت اجتماعی مدنظر دورکیم زمانی ایجاد می‌شود که، بالاترین میزان پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، در بین مردم به‌وجود آید. حال آنکه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد همبستگی و پذیرش آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، از سوی افراد مورد سوءظن و بی‌اعتمادی واقع‌شده و میزان همدلی بین نهادهای دولتی (حاکمیت) و مردم بسیار کم و حتی با مقاومت همراه است. این عدم همدلی و شکاف اعتماد بین جامعه و حاکمیت، سطح مشارکت اجتماعی را تنزل داده و بستری برای تخریب گسترده محیط‌زیست فراهم آورده است.

در تبیین نظریه با یافته‌های پژوهش باید گفت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی مانند موتور محرکه، جامعه را به اهداف خود نزدیک می‌کند. این موتور محرکه، به‌زعم کلمن سرمایه اجتماعی است که از طریق هماهنگی بین اهداف نظام

و جامعه به وجود می‌آید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرایط زیست‌محیطی کشور، سرمایه اجتماعی در نازل‌ترین سطح خود قرار دارد و میان نظام و جامعه، هم‌سویی در زمینه اهداف و منافع و مصالح کلی جامعه، به چشم نمی‌خورد.

همان‌طور که در این مقاله اشاره شد، دولت ضمن آگاه‌سازی شهروندان، به بررسی عملکرد زیست‌محیطی مسئولان نیز می‌پردازد. دولت با ایجاد شرایط مناسب برای آموزش رسانه‌ای و به‌کارگیری افراد تحصیل‌کرده در حوزه محیط‌زیست، خصوصاً کارشناسان جامعه‌شناسی محیط‌زیست، باید به دنبال تغییر نگرش به زیست محیط و جا انداختن فرهنگ اخلاق زیست‌محیطی باشد. بر اساس این رویکرد آموزشی می‌توان بیشترین تأثیر را به ارتقای دانش زیست‌محیطی نسبت داد؛ دانشی که از طریق بالا بردن میزان تمایل به همکاری و مشارکت در فعالیت‌های زیست محیطی، حاصل می‌شود. به‌طور کلی مهم‌ترین نقشی که دولت در حفظ محیط‌زیست خواهد داشت، این است که با ایجاد شرایط مناسب، به منظور مشارکت شهروندان، شرایط را برای ایجاد انگیزه بیشتر در افراد جامعه برای تعامل و همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در این حوزه، فراهم خواهد آورد و دولت از طریق بررسی عملکردها و نقطه نظرات اصحاب و کارشناسان زیست‌محیطی و درک همکاری و مشارکت شهروندان، می‌تواند به ارزیابی منطقی و دقیق‌تری برای انتخاب روش‌هایی برای بهتر شدن شرایط در این حوزه برسد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، نقش دولت در آسیب زدن به محیط‌زیست بیش از نقش شهروندان بوده و دخالت دولت چه از طریق اعطای امتیاز بهره‌برداری و برداشت از منابع طبیعی به شرکت‌های خصوصی یا صاحبان رانت و چه در زمینه مدیریت و نظارت بر محیط‌زیست، موجب ناخرسندی جامعه و از بین رفتن سرمایه اجتماعی، در خصوص نگهداری و حفظ محیط‌زیست و احساس تعلق به منابع و ثروت‌های ملی کشور شده است.

منابع

- دهراد رستمی، فوزیه؛ صالحی عمران، ابراهیم؛ صالحی، صادق (1399). نیازهای آموزش محیط‌زیست دانشجویان کارشناسی رشته‌های مدیریت صنعتی و مهندسی صنایع، فصلنامه علمی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، 9(2): 42-23.
- دهقان، حسین؛ نوروزی، حسین؛ قرلسفلو، محمدعلی. (1403). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در بازتوانی اجتماعی معتمدان بهبود یافته در شهر تهران، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال 19، شماره 66: 85-61.
- شاطری، پروانه؛ صالحی، صادق؛ شریفی، منصور؛ محسنی، رضاعلی. (1400). مطالعه جامعه‌شناختی انگیزه‌های مشارکت در سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی شهر تهران: ارائه نظریه‌ای زمینه‌ای، فصلنامه علوم محیطی، دوره نوزدهم، شماره 1: 88-69.
- صالحی، صادق؛ امام‌قلی، لقمان (1391). سرمایه فرهنگی و رفتارهای زیست‌محیطی؛ مطالعه موردی استان کردستان. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، 28، 91-120.
- طاهری، عصمت؛ طاهری، مه‌ری (1393). محیط‌زیست و انواع آلودگی‌ها، اولین همایش ملی محیط‌زیست، اصفهان.
- غمامی، سید محمد مهدی؛ کدخدا مرادی، کمال؛ درخشان، داور (1397). تعهدات حمایتی دولت در قبال سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران، مجله: پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره 48: 420-397.
- فتاحی، ناصر؛ ابراهیمی جمنانی، لیلا؛ حق زاد، آمنه؛ بزرگمهر، کیا (1399). تأثیر عوامل مشارکت اجتماعی شهروندان و گردشگران به‌منظور حفاظت از محیط‌زیست در شهرهای ساحلی

- (مطالعه موردی شهر محمودآباد)، مجله: نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی»، شماره 48: 255-274.
- قلی‌زاده شاوون، سیده فاطمه؛ دهقان، حسین؛ نوروزی، فیض‌الله (1400). ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با تمایل به مشارکت در حفظ محیط‌زیست (مورد مطالعه شهروندان تهرانی بالای 15 سال)، مجله: مطالعات میان فرهنگی»، شماره 49: 133-156.
 - کارگر شورکی، هدایت و بلدی، الهام و حدادیان، مهدیه السادات (1386). دولت سبز در ایران: وضعیت موجود و چشم‌انداز آتی نگاهی راهبردی به عوامل و موانع موفقیت اجرای برنامه دولت سبز، اولین کنفرانس مهندسی برنامه‌ریزی و مدیریت سیستم‌های محیط‌زیست، تهران
 - کاظم یاسی، غالب منعم (1401). نقش دولت در تعارضات داخلی نسبت به محیط‌زیست، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده حقوق.
 - منجذب، محمدرضا؛ صیادی، محمدکاظم؛ فرصیاد، محمدجواد (1400). تأثیر مداخله دولت بر رقابت بین زنجیره‌های تأمین سبز و غیرسبز با هدف مدیریت رفاه اجتماعی، مدیریت مطالعات صنعتی، دوره نوزدهم، شماره 63: 83-51.
 - Andersson, E. (2006). Urban landscapes and sustainable cities. *Ecology and Society*, 11(1), 34.
 - Cai, T, Dong, M, Chen, K, & Gong, T (2022). Methods of participating power spot market bidding and settlement for renewable energy systems. *Energy Reports*, Elsevier, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2352484722011362>
 - EC. (2015). Towards an EU research and innovation policy agenda for nature-based solutions & re-naturing cities. Final report of the Horizon 2020 expert group on 'nature-based solutions and re-naturing cities' directorate general for research and innovation. European Commission. European Union.
 - Frantzeskaki, N., McPhearson, T., Collier, M. J., Kendal, D., Bulkeley, H., Dumitru, A., Walsh, C., Noble, K., Van Wyk, E., Ordóñez, C., & Oke, C. (2019). Nature-based solutions for urban climate change adaptation: Linking science, policy, and practice communities for evidence-based decision-making. *Bioscience*, 69(6), 455–466.
 - Huq, N, Renaud, F, & Sebesvari, Z. (2013). Ecosystem based adaptation (EBA) to climate change—Integrating actions to sustainable adaptation. In *Impacts World 2013: International Conference on Climate Change Effects* (pp.151–164). Potsdam Institute for Climate Impact Research.
 - IPCC. (2014). Climate change 2014: Impacts, adaptation, and vulnerability. Cambridge University Press.
 - Irfan, M, Zhao, ZY, Rehman, A, Ozturk, I, & Li, H (2021). Consumers' intention-based influence factors of renewable energy adoption in Pakistan: a structural equation modeling approach. *Environmental Science and Springer*, <https://doi.org/10.1007/s11356-020-10504-w>
 - IUCN. (2018). *Ecosystem-based adaptation: An approach for building resilience and reducing risk for local communities and ecosystems. A submission by IUCN to the chair of the AWG-LCA with respect to the shared vision and enhanced action on adaptation*. UNFCCC.
 - Jannah, M (2023). HKI. Impact of Environmental Education Kit on Students' Environmental Literacy., repository.ar-raniry.ac.id, <https://repository.ar-raniry.ac.id/id/eprint/28568/>

- Kabisch, N., Frantzeskaki, N., Pauleit, S., Naumann, S., Davis, M., Artmann, M., Haase, D., Knapp, S., Korn, H., Stadler, J., Zaunberger, K., & Bonn, A. (2016). Nature-based solutions to climate change mitigation and adaptation in urban areas: Perspectives on indicators, knowledge gaps, barriers, and opportunities for action. *Ecology and Society*, 21(2), 39.
- Kiss, B, Sekulova, F, Hörschelmann, K, & ... (2022). Citizen participation in the governance of nature-based solutions. *Environmental Policy ...*, Wiley Online Library, <https://doi.org/10.1002/eet.1987>
- MacKinnon, K., Sobrevila, C., & Hickey, V. (2008). *Biodiversity, climate change and adaptation; nature-based solutions from the World Bank portfolio*. The International Bank for Reconstruction and Development.
- Maes, J., & Jacobs, S. (2015). Nature-based solutions for Europe's sustainable development. *Conservation Letters*, 10(1), 121–124.
- Maradin, D (2021). Advantages and disadvantages of renewable energy sources utilization. *International Journal of Energy Economics and Policy*, zbw.eu, https://www.zbw.eu/econis-archiv/bitstream/11159/7697/1/1771636475_0.pdf
- Muganyi, Tadiwanashe, Linnan Yan , Hua-ping Sun(2021). Green finance, fintech and environmental protection: Evidence from China, *Environmental Science and Ecotechnology*, Volume 7, July 2021, 100107
- Nesshöver, C., Assmuth, T., Irvine, K. N., Rusch, G. M., Waylen, K. A., Delbaere, B., Haase, D., Jones-Walters, L., Keune, H., Kovacs, K., Külvik, M., Rey, F., van Dijk, J., Vistad, O. I., Wilkinson, M. E., & Wittmer, H. (2017). The science, policy and practice of nature-based solutions: An interdisciplinary perspective. *Science Total Environment*, 579, 1215–1227.
- Oliveira, M. & Almeida M.(2019). The why and how of micro(nano)plastic research overlay panel, *TrAC Trends in Analytical Chemistry*, Volume 114, May 2019, Pages 196-201
- Pauleit, S., Liu, L., Ahern, J., & Kazmierczak, A. (2011). Multifunctional green infrastructure planning to promote ecological services in the city, chapter 5.3. In J. Niemelä, J. Breuste, T. Elmqvist, G. Guntenspergen, P. James, & N. McIntyre (Eds.), *Urban ecology: Patterns, processes, and applications*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Silva, M.S.Adília Pires, A. Dick Vethaak. (2020). Concepción Martínez-Gómez, Mónica Almeida, Ricardo Pinto, Etelvina Figueira, Miguel Oliveira, Do nanoplastics impact the ability of the polychaeta Hediste diversicolor to regenerate? *Ecol. Indic.*
- Soares, J, Miguel, I, Venâncio, C, Lopes, I, & ... (2021). Public views on plastic pollution: Knowledge, perceived impacts, and pro-environmental behaviours. *Journal of hazardous ...*, Elsevier, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0304389421001904>
- Xie, L., & Bulkeley, H. (2020). Nature-based solutions for urban biodiversity governance. *Environmental Science & Policy*, 110, 77–87. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2020.04.002>